



جاودانگی راه امام

# اصول انقلاب اسلامی (۳)

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

قسمت نهم

## استعمار از هویت خود دست بر نمی دارد

و توجه داشته باشند که ایادی تجاوزکار بصورت مشرقب دنبال دوپیرزند: یک- شکست اسلام و نهضت مقدس اسلامی تا این معنا را که قرنها بدین افراد داده بودند و افراد ساده و غیرمطلع را هم باورانده بودند که در دنیای امروز اسلام قابل عرضه کردن نبوده و امکان پیاده شدن ندارد و اگر افرادی بخواهند حرکتی را بوجود آورند و در آن حرکت هم بخواهند موفق باشند باید بسراغ مکتبها و ایستگاههای دیگری بروند. دوم- اگر ملتشی هم در حرکتی و نهضتی موفقیتناهی بدست آورد و مخالفان اسلام نتوانند بطور رسمی جلوان حرکت را بگیرند و بزشو درآورند، کاری می کنند که اسلام بصورت تاب و خالص مطرح نشود و این تحرک رهائی بخش و انقلابی بنام اسلام تمام نشده و اسلام بعنوان نیروی محرک و قدرت محرکه شناخته نشود و بالاخره مردم دنیا فکر نکنند که می توانند بدون اتکاء به یکی از قدرتهای بزرگ جهانی نهضتی را بوجود آورده و انقلابی را رهبری نمایند و از زیر سلطه آنان بیرون آورند و بسیار سخت است برای زورمداران عالم مشاهده نمایند در یکی از گوشه های دنیا مردمی متسجم گشته و در سایه رهبری خالص الهی و با تکیه بر اصولی که از متن مکتب الهی و آسمانی نشئت میگیرد، انقلابی را بوجود آورده اند و در سایه انقلاب توانسته اند راه جدید و تازم شخص و نوینی را برای جهانیان ارائه نموده و الگویی قابل عرضه و ارائه ای را برای همه مظلومان و ستمدیدگان نشان دهند و در این راه نیز موفق شوند و لذا در این مسیر از هیچ توطئه و خیانتی دست برنداشته اند و بهر نوع مکر و زیرنگی دست زده اند و قطعاً چندیکه انقلاب هویت مکتبی و اسلامی خویش را داشته و دارد و ملت بحرکت انقلابی اسلامی خودشان ادامه می دهند و با صلابت و تهاجم با قدرتهای جهانی برخورد می نمایند، این مقابله وجود خواهد داشت و آنان دست از شیطنت خودشان برنخواهند داشت مگر آنکه انقلاب را از حالت اسلامی بودنش بیرون آورده و مسیر آن را بتوانند تغییر دهند و اسلام را با پیرایه هایی از صحنه بیرون سازند. و یا اینکه بصورت ساده لوحانه باور شود که دشمنان انقلاب اسلامی تغییر ماهیت داده و ممکن است واقعاً به منطق برگردند و طبق ارزشهای انسانی و اسلامی عمل نموده و از مسیر زورگویی و قلداری که در ماهیتشان هست، بازگشت نموده و در راه مستقیم وارد شوند. حاشا که استعمار و استعمارگران برده مستقیم در آیند. حاشا که آمریکای مفسد از افساد فی الارض و اهلاک حرث و نسل بشریت

آری هر کدام از زوایای عمیق اسلام مورد دقت و تعمق قرار گیرد و جهات گوناگون آن مورد توجه واقع شود، در متن آن اصالت و استقلال و استحکام و تهاجم بر مکتبها و فرهنگهای دیگر اعم از شرق الحادی و یا غرب مزور و کافرانه دیده می شود و کوچکترین تشابهی میان این دو فرهنگ وجود ندارد و سیاست اسلامی مانند همه برخوردهای دیگریکه در محیط اسلامی یا همسایگان و مخالفان و موافقان انجام می گیرد و هر انسان معتقد به اسلام از انجام آنها ناگزیر است، از این فرهنگ غنی و مستقل، نشئت گرفته و رابطه این دو، مانند رابطه هر فرعی با اصل خویش می باشد و قطع این رابطه به معنای واقع کلمه، عدول از اصل اسلام و میثاقی مستحکم آن بحساب نمی آید پس در سیاستها و برنامه ریزیهای داخلی و در سیاستها و برخوردهای بین المللی و خارجی باید به آن ریشه و اساس و پایه توجه بعمل آید و از آن غفلت نشود و برخوردها و تعارفات دیپلماسی امروز جهان که بر پایه زور و مکر و نیرنگ است نباید با زرق و برق دروغین، چشم و گوش مسئولان را بسته و نگذارد سیاست متکی بر فکر و ایندولوژی اسلامی و ارزشهای انسانی برنامه ریزی شده و در صحنه های گوناگون دیپلماسی و روابط جهانی ظهور و بروز نماید، چون سیاست اسلامی متکی به ارزشهای الهی و انسانی یا باید بصورت تاب و خالص و صمدرصد متکی باصول ارزشی اسلامی پیاده گردد و در تمام میدانها توان مقابله خودش را با دیگر فکرها و اندیشه ها و سیاستها ظاهر سازد و اگر با پیرایه و در حال ناخالصی و بصورت التقاطی و با رنگ دیپلماسی و تعارفات جهانی مطرح گردیده و متلون شود، نه تنها در مقابل سیاستهای استکباری نمی تواند از خود ایستادگی و مقاومت نشان دهد بلکه با کمال ضعف و سستی در مقابل تهاجمات آنها منهزم و شکست خورده صحنه را ترک نموده و میدان را برقیب بلامنازع خود تحویل مینماید و این معنا را تمام کسانی که علاقمند به نهضتهای اسلامی هستند و باورشان این است تنها ره رهائی انسانها از قید و بند رقیبهای مدرن دنیای صنعتی و تکنیکی امروز تسک به اسلام و ارزشهای اسلامی می باشد، بیشتر از دیگران باید مورد توجه قرار داده و لحظه ای از آن غفلت ننمایند. و بداندند که اگر هم خدای ناخواسته اینان غافل باشند، دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب اسلامی غفلت نموده و همیشه در توطئه و کارشکنی دست بکار بوده و از هر امکانی برای ایجاد مشکل و مانع در مقابل انقلاب اسلامی بهره برداری می نمایند.



دست بردارد و حاشا که آنان فکر کنند که امت اسلامی اینقدر ساده‌اندیش باشند و در شناخت ماهیت دشمنان اسلام راه خطا بیروند و گمان نکنند ما می‌توانیم با دشمنان اسلام روابط حسنه و دوستانه داشته باشیم و آنان در فکر تجاوز و تعدی بحریم امت اسلامی نخواهند افتاد. آنانی که اینگونه می‌اندیشند نه اسلام و مکتب را خوب می‌شناسند و نه ماهیت سلطه‌طلبانه دشمنان اسلام را بخوبی دریافته‌اند و لذا حضرت امام که در مکتب اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و صراط مستقیم علوی علیه السلام ذوب گردیده و با تمام وجود خود را فانی در اسلام نموده است، و بهیچ وجه حاضر نیست از احکام و معیارهای اسلامی چشم‌پوشی کند و در ارتباط با آنها کوتاه آید و معتقد است «سیاست ما عین دین است» و متخذ از متن شریعت اسلامی ما است و ارتباط نظام اسلامی با دنیای بیرون در چهارچوب مکتب اهل بیت علیهم السلام باید صورت پذیرد و عدول از این اصل را به تمام معنی الکلمه، عدول از صراط مستقیم اسلام و وحی می‌داند و آن را خیانت به مصالح اسلام و امت اسلام و ارزشهای الهی می‌شمارد، طبیعاً در مورد سیاست خارجی و ایجاد ارتباط با ملل عالم، تعارفات دیپلماسی رایج را مردود و خطا دانسته و یا صراحت ب مردم مسلمان ایران انقلابی و اسلامی و به تمام امت اسلامی در سراسر جهان توصیه می‌فرماید که اگر میخواهید سیادت اسلامی خودتان را بدست آورید و با استقلال و مجد و عظمت بزرندگی خویش ادامه دهید و از شر و توطئه صاحبان زر و زور در ایران بمانید و ارزشهای اصل انسانی و الهی را حفظ کنید در سیاست گذاری و روابط خارجی از این اصل تحققی و عدول نکنید و سیاست اهل بیت (ع) را راه و رسم خود قرار دهید.

حضرت امام «قدس سره» چنین می‌فرماید:

«و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت بطور شایسته و بجان و دل و جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌ها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسوسه خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است، هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و البیاء و ملائکه الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی او باد هیچگاه غفلت نکنند بدانند آنچه دشمنان ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آن چه لعن و نفرین بر سنگران آل بیت است تمام، فریاد قهرمانانه ملت‌ها است بر سردمداران ستم‌بیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیاد بنی امیه لعنة الله علیهم با آنکه آنان مغرض و به جهت رهبر بار شده‌اند، فریاد بر سنگران جهان زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار حزین و اشعار نای از ائمه حق علیهم السلام الله، بطور کوبنده، فجاج و سنگریهای سنگران هر عصر و عصر بآوردی شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام

بدست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعوده این خائنین بحرم بزرگ الهی لعنة الله و ملائکه ورسله علیهم است، بطور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی است که حافظ ملت مسلمین بویژه شعبان ائمه اتنی عشر علیهم صلوات الله و سلم».

حضرت امام «قدس سره» در این فراز بسطالی بسیار بلند و بالا و نواشارت فرموده‌اند که هر کدام از آنها در جای خودش با تفصیل بیشتر باید مورد بررسی و تحلیل و تشریح قرار گیرد. از جمله اینکه فقه عمیق و جامع شیعه که عهده‌دار سلامت و عدالت در جامعه است، و ضامن رشد و عظمت ملت‌ها است، همان فقه سنتی است و منحصر با احکام اولیه نمی‌باشد، بلکه با توجه به جامعیت آن و دارا بودن فقه با احکام اولیه و ثانویه که هر دو از متن مکتب اسلام متخذ می‌باشد. می‌تواند عهده‌دار مجد و عظمت مسلمین گردیده و پاسخ‌گوی نیازهای گوناگون جامعه بشری باشد و بالطبع ناپایده گرفتن احکام ثانویه اسلام و تنها احکام اولیه را دیدن از مصادیق بارز ایمان بعضی و کفر بعضی که کفر مطلق است، خواهد بود و از جمله فلسفه اقامه نماز سیاسی عبادی جمعه که در تثبیت پایه‌های نظام عدل الهی و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون مبارزه و وحدت امت اسلامی و ملت مقاوم ایران نقش بسیار بالا و والاتی داشته که حضرت امام «قدس سره» آن را یکی از عنایات حضرت حق بر جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

و از آن جمله فلسفه بزرگداشت نهضت حسینی و قیام خونین کربلا و عزاداری برای اهلیت علیهم السلام و ابراز از جبار و لعن و نفرین بر دشمنان خدا و بشریت از آغاز تا انجام والی الابد می‌باشد که در حرکت‌های رهانی بخش ملت‌ها و حفظ ملت و هویت امت اسلامی و افشاگری علیه تبهکاران و جباران عالم و تحریک و بسیج همگانی برای قیام و یورش و تهاجم علیه مستکبران جهان و صاحبان قدرت باطل و دهها مصالح و جهات دیگر اجتماعی و فکری و فرهنگی که بر همگان واضح و آشکار است. و در عبارات بلند حضرت امام «قدس سره» طوری عنوان و طرح شده است که از عدولیت و طراوت خاصی برخوردار بوده و با شکل حماسی و زنده و متحرک طراحی شده تا در صحنه زندگی روزمره انسان‌های متصفیه تاریخ، بطور همیشه و جاودانه بصورت ملموس، مشهود گردد.

و نیز تحلیلی که از لعن و اعلان بی‌زاری و دوری از بنی امیه «لعنهم الله» ارائه فرموده‌اند و از آن حماسه‌ای ساخته‌اند که راه برخورد قهرآمیز را با هر جریانی و حرکتی که در راستای اهداف جنایتکارانه بنی امیه «لعنة الله علیهم» قرار می‌گیرد و با همان شیوه و هدف می‌خواهند حاکمیت‌های جور و ظلم را بر ملت‌های مظلوم تثبیت نموده و تحکیم بخشند، نشان داده و تعلیم فرموده است و هر یک از این عناوین چون دارای زوایای مختلف و گوناگونی بوده و در ضمن متن وصیت‌نامه مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است در آنجا که رسیدیم به تفصیل به تشریح ابعاد مختلف آن خواهیم پرداخت و با الهام از بیانات حضرتشان در موارد دیگر که در مناسبت‌های مختلف فرموده‌اند در تکمیل بیشتر مطالب اینجا خواهیم کوشید.

بهر حال این وصیت‌نامه، مانند وصیت‌نامه‌های دیگر و معمولی نمی‌باشد و در زمان و مکان خاصی محدود نمی‌گردد و برای افراد مخصوص خطاب نشده



گسترده از توجه بمصالح جامعه و شرایط خاص زمانی و مکانی و موقعیت انقلاب اسلامی و الگو بودن جمهوری اسلامی غفلت نمایند و تنها با الفاظ و عبارات و کلمات جمود نمایند و در همان محدوده اظهار نظر کنند در صورتیکه فقه و احکام اسلامی برای تأمین سعادت و مصالح جامعه و حل معضلات و مشکلات آنان است. در همین جا خوب و زیبا است ملاحظه کنیم که امام امت اسلام قدس سره در باره نقش و وظایف شورای محترم نگهبان در وصیت نامه خویش چه فرموده است:

«از شورای نگهبان می خواهم، و توصیه می کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفاء و نحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی، بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجراء شود توجه نمایند.»

**در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: اصل نود و نهم:**  
بمنظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورائی بنام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل میشود: ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام معظم رهبری است.

۲- شش نفر حقوق دان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوق دانان مسلمانیکه بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی میشوند و با رأی مجلس انتخاب میگردند.

**اصل نود و سوم- مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.**

**اصل نود و چهارم- کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود و شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول**

از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس باز گرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراء است.

**اصل نود و هشتم- تشخیص عدم مغایرت با مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضاء شورای نگهبان است.**

بوضوح دیده میشود امام عظیم الشان امت اسلام قدس سره و قانون اسلام با یک شیوه و همسو و همسان در باره جایگاه و نقش شورای نگهبان سخن گفته اند و شرائین که قانون اساسی برای فقهاء معتبر دانسته است و روی آگاهی فقهاء به مقتضیات زمان و مسائل روز تکیه نموده برای تأمین همان هدفی است که امام در وصیت نامه سیاسی الهی متذکر شده اند و بدون آن اصل فلسفه وجودی شورای نگهبان که پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی است قابل تحصیل نییابد و احکام اسلام تنها احکام اولیّه نییابد و احکام ثانویه نیز جزء احکام اسلامی است و نباید مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد و احکام اسلامی و فقه اسلامی که همانا فلسفه زندگی بشری است، بدون نظام و حکومت که با ولایت فقیه تحقق پذیر است، یقیناً قابل اجراء و پیاده شدن نبوده و اگر هم پیاده شود با اسلام ناب محمدی (ص) که در سایه رهبری آن شخصیت عظیم الهی متبلور میگشت و عینیت می یافت تفاوت زیادی خواهد داشت و اساساً اسلام اصیل نبوی و علوی با ولایت و امامت و حکومت صالحه و عادلانه قابل تحقق و خارجیت یافتن است در قانون گذاری مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان هر دو علاوه بر اینکه باید بعنوان اولیّه و احکام اولیّه اسلامی توجه نمایند بعنوان ثانویه و ولایت فقیه عادل و جامع شرایط نیز توجه نمایند و در صورت چنین دید و توجهی قانون گذاری جامع الاطراف و دقیق و موافق امکان پذیر است و در غیر اینصورت خدای نخواستہ ممکن است چنین ذنبت برای خلیها بوجود آید...

مسئولان سیاسی و فرهنگی نظام الهی ما این است که بکوشند و تمامی امکانات خودشان را روی هم بریزند و از نیروهای متعهد و با سواد و اهل ذوق و سلیقه و آشنا بزبانهای گوناگون و زبان غنی فارسی که توان دریافت و فهم مطالب بلند و بالایی حضرت امام «قدس سره» را نیز داشته باشند، استفاده نموده و این وصیت نامه را بصورت کامل و دقیق بزبانهای زنده دنیا برگردانند و در اختیار همه افرادی که از بی عدالتیها و خبیانتها و نابرابریها و بردگیهای مدرن دنیای تکنولوژی رنج می برند و سراغ نورانیت آزادیها و کرامتها و شرافتها و ارزشهای انسانی و دینی می روند و برای انقلاب و حرکتهای دگرگون سازشان راه و شیوه ای را می طلبند، بگذارند و زمینه رجعت انسان به خویش خویش را فراهم سازند.

حضرت امام «قدس سره» در این زمینه اینطور می فرمایند:

«و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی اینجانب اختصاص بملت عظیم الشان ایران ندارد. بلکه توصیه به جمع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب میباشد. از خداوند عزوجل عاجزانه خواهانم که لحظه ای ما و ملت ما را بخود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود باین فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه ای دریغ نفرماید.»

بقیه از اصول انقلاب اسلامی

است بلکه وصیت و توصیه از مقامی است الهی و بالاتر از افق تنگ و مقید عالم طبیعت که در آن زمان و مکان و دیگر قیودیکه محدودیت آور است ملحوظ نبوده و محیط بر همه آنها می باشد و می تواند در همه زمانها و مکانها و با توجه به همه قویتها و زبانها و نژادها در تمامی اعصار و قرون و با همه خصوصیات و ویژگیها دعوت و رسالت خویش را انجام دهد زیرا که پیام الهی و پیامبرگونه میباشد و مخاطبین آن ایرانی و لبنانی و افغانی و امثال اینها نمی باشد بلکه تمام کسانی است که دارای روح لطیف و درک عمیق و دلی پردرد و رنج از حوادث تلخ و دردناک تاریخ و زورگوئیها و ظلمها و حق کشیهای قدران عالم بوده و بوضوح و روشنی میدانند که تنها راه حل و پایان بخشیدن باین جنایتها بازگشت انسان بسوی خدا و حاکمیت عبودیت الهی و رهائی از قید و بند و اغلال مادیت و اهواء و تمایلات نفسانی میباشد و در این وصیت نامه سیاسی الهی هم دردها بخوبی و ریشه ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و هم راه حلها ارائه شده است و هر انسانی به تناسب درک و معرفت خویش می تواند از آن حظی برده و توشه ای برای فرار از خویش بردارد و از آن، شیوه برخورد با سیاست بازان بین المللی را آموخته و با هوشیاری و توجه دقیق جلوگیریها و فریبهای آنان را بگیرد و در مقابل نفوذ نامشروع آنان سدای آهنین و محکم بوجود آورد و لذا یکی از وظایف سنگین